

من خودم بخشی از آن هستم و این انتقاد به خود من هم وارد است».

عرب‌نژاد اظهار کرد: «دانشگاه در تمام دنیا نماد علم است. آدم‌های علمی در دانشگاه هستند و علم، ادبیات خاص خودش را دارد، علم می‌تواند جلوی شارلاتان‌ها را بگیرد، این شارلاتان‌ها ممکن است شارلاتان‌های اقتصادی باشند، ممکن است شارلاتان‌های پزشکی باشند، ممکن است شارلاتان‌های فرهنگی و حتی شارلاتان‌های علمی باشند». وی با بیان این که دانشگاه وظیفه دارد با یک زبان خاص قابل فهم منطقی، حق و حقیقت را بیان کند، افزود: «دانشگاه خیلی می‌تواند به کل جامعه کمک کند و چراغ راه کل جامعه باشد، برای اینکه می‌تواند به معنای کلاسیک خودش بگوید حقیقت کجاست و علم چه می‌گوید».

### تاثیر دانشگاه بر کارآفرینی

خبرنگار استقامت سوال کرد: «آیا دانشگاه به صورت خاص کمکی به بهبود وضعیت کارآفرینی در جامعه ما انجام داده است؟». عرب‌نژاد پاسخ داد: «به صورت خاص وظیفه دانشگاه نیست به این موضوع خاص بپردازد. اما آموزش‌های دانشگاه به صورت غیرمستقیم تاثیر دارد، زیرا بزرگترین نیروی محرک کارآفرین‌ها همین است».

وی توضیح داد: «اگر دانشجویی باسواد تربیت شود، پتانسیل کارآفرین شدن را دارد. اگر دانشجوی کار پژوهشی خوب انجام دهد در آینده اگر خواست کارآفرین بشود می‌داند که کجا و چگونه تحقیق و توسعه انجام بدهد و روش آن چیست یا اینکه برای تحقیق و توسعه به کجا رجوع کند». کارآفرین برتر دانشگاه شهید باهنر کرمان یادآور شد: «جمله‌ای را سال‌ها پیش روی دیوار دانشگاهی خواندم که خیلی جالب بود، نوشته بود ما در این مکان به شما یاد می‌دهیم که چگونه خود را بیاموزید. دانشگاه باید انسانی را تربیت کند که بتواند با توجه به منابع علمی، خودش را بیاموزد».

### شکاف دانشگاه و صنعت جهانی است

خبرنگار استقامت گفت: «شما از یک دانشگاه آرمانی حرف می‌زنید، الان نقدی که به دانشگاه‌های ما وارد است، این است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی اغلب آدم‌های توانمندی نیستند که بتوانند کار کنند و آماده ورود به جامعه و محیط کار بشوند. شما این را تایید می‌کنید یا مشکل را از جای دیگر می‌بینید؟».

وی پاسخ داد: «به صورت نسبی بله اما مطلق نه. من با یک مثال شروع می‌کنم و بعد بیشتر توضیح می‌دهم. بخشی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ما در حال حاضر مهاجرت می‌کنند، اگر این‌ها افرادی بودند که داخل دانشگاه اصول اولیه علم را خوب یاد نگرفته بودند در سایر کشورهای دنیا هم نمی‌توانستند موفق باشند در حالی که این طور نیست».

عرب‌نژاد افزود: «به طور متوسط ممکن است در دانشگاه‌های ما کیفیت سرفصل دروسی که ارائه می‌شود، پایین آمده باشد اما این سرفصل‌ها همان چیزهایی است که در سایر دانشگاه‌های دنیا هم گفته می‌شود. من به عنوان یک دانشجو که بخشی از درس‌ها را در دانشگاه شهید باهنر کرمان خوانده بودم، بخش دیگری

اقتصاد در دست بخش خصوصی است». وی در پاسخ به این سوال که: «آیا شما این شرایط را برای خودتان یک چالش و مانع می‌بینید؟» گفت: «۱۰۰ درصد. نه فقط برای خودم بلکه برای کل کشور، معتقدم با فضا و تفکر دولتی به جایی نمی‌رسد».

برگزیده جایزه کارآفرین برتر ادامه داد: «حافظ شعری دارد که می‌گوید: میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست / تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز. اگر آدم اسمیت با حافظ هم دوره بودند به جای این شعر می‌گفت: میان عرضه و تقاضا هیچ حاجب نیست / تو خود حجاب خودی دولت از میان برخیز!»

### نابازار؛ چالش پنهان کارآفرینی در ایران

خبرنگار استقامت سوال کرد: «برای این که کارآفرینی در جامعه رشد کند، به یک فرهنگ تبدیل شود و افراد زیادی کارآفرین باشند، جامعه باید یک فضای مناسب و یک بستر رشد هم داشته باشد، با این توضیح که دادید، شما معتقدید که این جامعه یک بازدارندگی نسبت به کسانی دارد که می‌خواهند یک کارآفرین موفق بشوند؟» عرب‌نژاد پاسخ داد: «در عمل بله، در شعار خیر. ظاهر کار خیلی زیباست. ما از کارآفرین‌ها حمایت می‌کنیم، به شرکت‌های دانش‌بنیان اهمیت می‌دهیم و مضمون شعارهای سال همین است، اما اتفاقی که در عمل می‌افتد متفاوت است. دلیلش هم بسیار واضح و ساده است، برای این که ما برخلاف مهم‌ترین نیروی اقتصادی یعنی بازار کار می‌کنیم».

وی ادامه داد: «بازار پارامتر بسیار مهمی است. بازار یکی از بزرگترین کشف‌های بشر بوده که ما در طول بیش از ۴۰ سال گذشته مدام بر خلاف جهت بازار حرکت کردیم و نابازار ساختیم».

عرب‌نژاد یادآور شد: «در زمینه انرژی، برق، گازوئیل و بنزین نابازارهایی ساختیم که سبب شده درگیر مشکلات زیادی بشویم. حتی در زمینه دانشگاه و آموزش، نابازارهایی ساختیم که راندمان آن‌ها پایین است و همه از آن شاکی هستیم».

وی اضافه کرد: «من اعتقاد دارم اگر زمانی تاریخ بخواهد درباره ما و شوروی کمونیستی بنویسد، می‌گوید ایرانی‌ها از انقلاب ۵۷ به بعد با پدیده بازار درگیر شدند و روس‌ها هم بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ با پدیده مالکیت درگیر شدند و هر دوی آن‌ها محکوم به شکست بودند. البته امیدوارم در تاریخ نوشته شود ایرانی‌ها از یک زمانی متوجه این موضوع شدند و مثل روس‌ها تا انتها نرفتند که به فروپاشی بینجامد».

### غفلت از آموزش

کارآفرین برتر دانشگاه شهید باهنر کرمان در پاسخ به این سوال که: «فکر می‌کنید دانشگاه چه نقشی می‌تواند در چالشی که یک حالت معماگونه هم دارد، داشته باشد و آیا به نقش واقعی خود عمل می‌کند؟» گفت: «تا حدودی. دانشگاه دو وظیفه ذاتی آموزش و پژوهش را برعهده دارد که آموزش از پژوهش مهم‌تر است».

وی ادامه داد: «ما یک اشتباه را در طول چند سال گذشته انجام دادیم و به واسطه توجه به پژوهش، از آموزش غافل شدیم. در حال حاضر کیفیت آموزش ما پایین است،

دانش آموز دبستان بودم. مادرم هم به درس خواندن علاقه زیادی داشتند و الان دو لیسانس و سه فوق لیسانس دارند و در خانه ما همیشه بحث اعداد و ارقام مطرح بود». عرب‌نژاد یادآور شد: «در دانشگاه درس ترمودینامیک را با آقای دکتر عامری داشتم. ایشان یک روز سر کلاس زمانی که درباره نیروگاه‌ها صحبت می‌کردند، از ما درباره ظرفیت نیروگاه باغین سوال کردند و من پاسخ سوال ایشان را دادم، تشویق کردند و گفتند از کجا می‌دانی؟ گفتم شنیدم. فضای خانه ما این گونه است و مدام درباره همین چیزها صحبت می‌کنیم».

### سایه سنگین اقتصاد دولتی

خبرنگار استقامت گفت: «آقای دکتر، برداشت من این است که شما از صفر شروع نکردید، هم در خانواده‌ای بودید که دانشگاه رفته بودند و هم بعد که به ایران برگشتید جایی داشتند که در آن جا مشغول به کار بشوید و این به شما کمک کرده است. البته شما با تجربه و دانشی که داشتید به بهترین نحو از آن استفاده کردید. برای رسیدن به این نقطه، فکر می‌کنید با چه دشواری‌ها، موانع و چالش‌هایی مواجه شدید؟».

وی گفت: «بزرگترین مشکل، فضای کسب و کار یا فضایی است که بر شرکت‌ها و اقتصاد ما حاکم است. بزرگترین چالشی که همین امروز هم روزانه با آن سروکار دارم، نوع نگاه اقتصاد دولتی است که نه فقط در کل جامعه که حتی در بخش خصوصی هم تسری پیدا کرده است».

عرب‌نژاد با بیان این که بخش خصوصی به دلایلی خلق و خوی دولتی پیدا کرده است، افزود: «یکی از آن‌ها به دلیل ارتباطی است که با دولت دارد، در حال حاضر نیرو و پرسنلی که برای من کار می‌کنند، با کسانی در خانواده و اطرافیان‌شان در ارتباط هستند که کارمند یک شرکت دولتی هستند، آن‌ها با هم درباره مکانیزم‌های هر مجموعه صحبت می‌کنند و از هم متأثر هستند».

وی اضافه کرد: «در مجموعه دولتی قرار نیست ثروت تولید بشود اما در مجموعه خصوصی قرار است ثروتی تولید بشود که بعد همه افراد از آن منتفع شوند، برای مجموعه

اساتید من را نمی‌شناختند، چون بعد من را به چشم مامور اداره اطلاعات می‌دیدند که قرار است آماری را استخراج کنم یا گاهی به چشم کارمندی که می‌خواهد با گرفتن لیسانس ارتقا بگیرد و حقوقش افزایش پیدا کند؛ بنابراین ترم‌های اول جذاب‌تر بود و البته بعد که با اساتید آشنا شدم مواهب خودش را داشت».

وی ادامه داد: «همزمان هم درس می‌خواندم، هم دانشگاه درس می‌دادم و هم کار خودم را انجام می‌دادم».

### در خانه‌ای که آرزوها کوچک نبودند

خبرنگار استقامت سوال کرد: «در خانواده، دوران دبستان، دبیرستان و قبل از دانشگاه، چه چیزهایی اهمیت داشت و روی شما تاثیر گذاشت که بعدها چنین روحیه‌ای پیدا کنید؟».

عرب‌نژاد پاسخ داد: «اول به جمله‌ای از استادم در مقطع دکتر اشاره می‌کنم و بعد توضیح می‌دهم. در مقطع دکتر استادی داشتیم که فارغ‌التحصیل دانشگاه کمبریج بود، آدم مسنی بود و الان بازنشسته شده که هنوز با هم در ارتباط هستیم؛ او در طول دوران کاری‌اش چهار یا پنج دانشجوی ایرانی داشت. روزی که با او خداحافظی می‌کردم گفت: می‌دانی تفاوت ایرانی‌ها با بقیه دانشجویان دنیا چیست؟ شما طبع بسیار بلندی دارید، مهم نیست وضع مالی شما چطور است، اما طبع خیلی بلند دارید».

وی توضیح داد: «استادم این حرف را برای این می‌زد که بعضی جاها راضی می‌شد ما نتایج کاری که انجام می‌دادیم را در همان اندازه‌ای که هست منتشر کنیم اما ما به عنوان دانشجو سرسختانه اصرار می‌کردیم نتایج به اندازه کافی خوب نیستند و باید بیشتر روی آن‌ها کار کنیم. این روش ما برخلاف دانشجویان سایر کشورها بود. آن‌ها وقتی استاد موافقت خودش را اعلام می‌کرد، راضی می‌شدند و کار را تمام می‌کردند».

عرب‌نژاد گفت: «حالا اگر به سوال شما برگردیم، من خدا را شکر می‌کنم که جایی بزرگ شدم و در خانه‌ای رشد کردم که پدر و مادرم طبع بلندی داشتند، یعنی از همان ابتدا والدین من آرزو نداشتند که من کارمند



خصوصی چاه نفت یا فرش زیر پای برای فروش وجود ندارد، ولی برای مجموعه دولتی وجود دارد!»

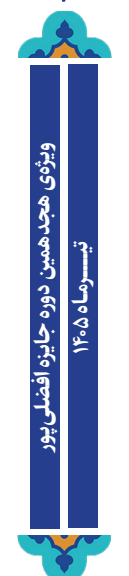
عرب‌نژاد اظهار کرد: «۷۰ درصد اقتصاد ایران، دولتی است و فضای اقتصاد، فضای تفکر دولتی است. این فضا با کشوری مانند سنگاپور که من آن جا کار و زندگی کردم، متفاوت است. در سنگاپور بیش از ۸۰ درصد

بشوم و خانه، ماشین و حقوق بازنشستگی خوبی داشته باشم. روحیات آن‌ها این طور بود که ما باید کاری انجام بدهیم که ارزش افزوده‌ای داشته باشد».

وی ادامه داد: «در فضایی که من بزرگ شدم، پدرم مهندس مکانیک بودند و ایشان بعد از جبهه و جنگ تحصیلاتشان را ادامه دادند وقتی ایشان دانشجو بودند من



دانشگاه شهید باهنر کرمان



ویژگی هجدهمین دوره جایزه افضل پور

پس‌رکاب ۱۴۰۵